

### متن پرسش

سلام استاد وقتتون بخیر: در فضای مجازی آقایی که انقلابی هستش بهم ابراز علاقه کرد و گفت که من دنبال دختر نجیب می‌گردم و این مدت که در یک گروه بودیم فهمیدم شما دختر نجیبی هستین و من قصدم آشنایی برای ازدواج هستش، من گفتم که فعلا از احساسات حرفی زده نشه تا محرمیت ایجاد بشه اما اون قبول نمیکنه و میگه چون ما هر دو راضی هستیم پس ۵۰٪ محرمیت ایجاد شده چون در خطبه عقد هم اگر هر دو طرف راضی نباشن عقد باطله پس همین رضایت ما یعنی درصدی از محرمیت. اما باز من قبول نکردم بهم میگه تو خیلی دنیا رو سخت می‌گیری اصلا هیچ گناهی نداره چون ما مال همدیگه هستیم و اگر گناهی بود گردن من، ولی من دارم اذیت میشم. من نمیخوام گناه کنم، نمیخوام رابطه ای رو با گناه شروع کنم. از وقتی وارد این رابطه شدم احساس می‌کنم از خدا دور شدم و از طرفی خیلی روم همیشه باهاش حرف بزنم. نمی‌دونم باید چیکار کنم کار درست چیه؟ هر لحظه منتظرم یه بلایی سرم بیاد واسه این کار به اون آقا هم که این رو میگم عصبانی میشه مگه ما چیکار کردیم تو اونجایی و من اینجا و ما فقط حرف می‌زنیم. میگم حتی حرف زدنشم گناهه باید محرم بشیم بعد حرفهای احساسی زده شه، من نمیخوام از خدا دور بشم. نمیخوام گناه کنم. نمیخوام احساس کنم از رحمت خدا دور شدم. شما بگین چیکار کنم؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در این موارد حتماً باید مسیر ازدواج از طریق همان روش سنتی و خواستگاری از طریق خانواده کار جلو برود و ابدأ خودتان بدون در جریان قراردادن خانواده در این موارد هیچ اقدامی نکنید، وگرنه موجب خواری و سبکی شما خواهد شد. موفق باشید